

عنوان پادکست: دل آرام در دنیای پُر تلاطم

## دل آرام در دنیای پُر تلاطم (بخش پنجم)

**نازی:** هر یک از ما به صورت‌های مختلف تحت تأثیر تصمیمات و انتخاب‌های غلط و آزاردهنده دیگران قرار گرفته‌ایم.

**سابرینا:** وضعیت زندگی من وقتی که تحت تأثیر شرارت و بدی دیگران قرار می‌گیرد و یا وقتی که طوفان زده می‌شود، فرصتی پیش می‌آورد که به صورتی باورنکردنی به اطرافیان خودم شخصیت کامل، غیر معمولی و عجیب پسر خدا را نشان دهم. این اطرافیان، شامل اشخاص بی‌ایمان، ایماندار، خانواده، همکاران، دوستان، و بالاخره همه کسانی است که یک جوری با من در تماس هستند. آنها افرادی هستند که در طوفان‌ها و شرایط سخت، واکنش مرا می‌بینند.

**نازی:** با سلام، امروز با برنامه‌ای دیگر از پادکست **دل‌هایمان احیا کن** با صدای سابرینا اصلان در خدمت شما، عزیزان شنونده، هستیم. همه ما به صورت‌های مختلف افراد بد قلیق، بهانه جو، دشوار، شرور، و آزار دهنده برخورد داشته‌ایم و داریم. گفتار و اعمال شرارت بار می‌تواند اثرات مخرب زیادی در خانه‌ها، روابط، اجتماعات، شهرها، و بالاخره در یک جامعه به جا بگذارد.

در طول این برنامه، از چند شنونده پیغام‌هایی دریافت کرده‌ایم که در نظر داریم چند مورد از آنها را برای شما بخوانیم. کتی می‌نویسد: "مسائل و مشکلات شرارت بار و بد زندگی ما می‌توانند با جلوه‌های گوناگون ظاهر شوند. بحران‌های خانوادگی، مرگ دوستان و یا افراد خانواده، رفتار بد همکاران در محیط شغلی، و هزار و یک جور بدی دیگر که هر یک با رنگ و شدت مخصوص خودش ظاهر می‌شود، دردهای کوچک و بزرگ! این مشکلات می‌توانند مثل ماشین غلتک بزرگی که برای صاف کردن جاده و آسفالت به کار برده می‌شود ما را له و لورده کنند. و یا از طرف دیگر، این دردها می‌توانند ارباب‌های خدا باشند که با محبت او، برای نجات و رشد ما فرستاده می‌شوند. ولی، این واکنش‌های ما به دردها و مشکلات است که تعیین می‌کند ما سوار ارباب‌های رهایی-دهنده خدا شده‌ایم و یا زیر غلتک مشکلات، در حال له شدن هستیم.

بله، واکنش و نقطه نظرات ماست که تعیین می‌کند قرار است زیر لعنت مشکلات نابود شویم و یا از آنها برکت بگیریم. اشعیا ۴۰ آیه ۳۱ می‌گوید: «آنان که برای خداوند انتظار می‌کشند، نیروی تازه خواهند یافت. و با بال‌هایی همچون عقاب اوج خواهند گرفت.» بله، به ما این فیض داده شده که در قعر مشکلات نابودکننده، سوار اربابۀ خدا شویم ... مثل عقاب بر فراز مشکلات اوج بگیریم و فراسوی دردها و مشکلات پرواز کنیم.

خدا این موضوع را درست یک هفته قبل از اینکه من گزارش دکتر را در ارتباط با بیماری سرطانم دریافت کنم، به من نشان داد. به محض دریافت این گزارش، ۲۰ دقیقه نگذشته بود که به یاد این موضوع افتادم و به خودم گفتم: کتی، آیا تو میخواهی بگذاری این موضوع تو را مثل غلتک ماشین له و لورده کرده، با خاک یکسان کند؟ همان وقت دعا کردم و از مسیح خواستم که بگذارد این درد و بیماری عرابۀ او باشد تا در آن، حضور کافی و بسندۀ او را حس کنم و با او اوج بگیرم. راستش را بخواهید، این تجربه، یعنی بیماری سرطان من، باعث شد بسیاری از مشکلات دیگر زندگی‌ام بسیار کم‌رنگ‌تر و ناچیز به حساب آیند. مثلاً اگر کسی بدگویی مرا کرده بود، و یا به فرض، کسی به من و یا خانواده‌ام بدی و شرارت کرده بود، دیگر مثل قبل بر من اثر نداشتند. نه اینکه این مشکلات را انکار کنم، ولی خدا به وسیلۀ این بیماری، به من نشان داد که مشکلات در بُعد ابدیت هیچ هستند و زندگی ما بر روی این زمین، کوتاه است. پس، چه بهتر که در همه این شرایط، بر اربابۀ وعده‌های مسیح سوار شوم و با معیارهای او به مسائل نگاه کنم ... تا به جای اینکه در آنها گیر کنم، بر فراز آنها پرواز کنم."

**سابرینا:** بله، مشکلات و دردها و افراد شریر و بد کردار ... اثراتشان در زندگی زمینی ما می‌توانند به جای اینکه مثل غلتک ماشین ما را له و لورده کنند، وسیله‌ای در دست خدا باشند تا ما بیشتر به خدا روی آوریم، او را بهتر بشناسیم، به او نزدیک‌تر شویم، و پُری فیض و محبت او را بیشتر و بیشتر بچشیم ... شرایطی که در حکم ارباب‌های خدا، ما را آزادتر از پیش، پرواز دهند.

چه تصویر زیبایی! شما کدام را انتخاب می‌کنید؟ ماشین غلتک له کننده؟ یا ارباب‌های خدا که ما را با نیرویی تازه، نیرویی که تا به حال آن را تجربه نکرده‌ایم، مثل عقاب پرواز دهند؟

**نازی:** خانم دیگری می‌نویسد: "در طول این درس‌ها من به فکر موقعیتی افتادم که سال گذشته در محل کارم با آن مواجه بودم. یکی از همکاران من آدم فوق العاده عصبانی و بدقلقی بود که از همه چیز ایراد می‌گرفت و با هر جرقه‌ای مثل دینامیت منفجر می‌شد. ولی من در بارۀ خودم متوجه شدم که من هم نسبت به این موضوع با خشم و عصبانیت واکنش نشان می‌دهم. خداوند از طریق کتاب امثال سلیمان با من شروع به صحبت کرد. تصمیم گرفتم که در این کتاب، روی همه آیاتی که در بارۀ شخص خشمگین و احمق صحبت می‌کنند تمرکز و تعمق کنم. و خدا به من نشان داد که وقتی من هم مثل این همکار، با خشم و عصبانیت و کدورت عکس‌العمل نشان

می‌دهم، من هم درست مثل او عمل می‌کنم و شرارت و بدی‌ای را که او مرتکب می‌شود، من هم دارم از خودم بروز می‌دهم. ولی تفاوت در این است که من ایماندار به مسیح هستم ولی او نیست. و فهمیدم که در طول همه این شرایط، من بایستی با قدرت روح القدس عکس‌العمل‌های الهی نشان دهم. خدا به من نشان داد که اگر واقعاً این معضل را به او بسپارم، اوست که عدالت، انصاف و حقانیت مرا مثل نور ظهر آشکار خواهد کرد. و من احتیاج ندارم که زمام امور را به دست بگیرم و با شرارت و بدی و خشم و تشویش و کدورت، حقیقت را ثابت کنم و یا دیگران را تربیت کنم و به قول معروف، حقشان را کف دستشان بگذارم! من واقعاً لازم نبود که خودم را مشوش و مکدر و خشمگین کنم. این موضوع، فرصتی پیش آورد که این فرد نسبت به آرامش موجود در زندگی‌ام کنجکاو شد و از من پرسید که دلیلش چیست. و من این فرصت را پیدا کردم که در باره مسیح و نیکویی او با او صحبت کنم."

**سابرینا:** بله متن‌های زیادی در کتاب مقدس است که در آنها، خدا از ما دعوت می‌کند تا با تبعیض، بی‌عدالتی، و شرارت مبارزه کنیم. اما مزمور ۳۷ بر این مطلب تأکید دارد که در واکنش نشان دادن به شرارت، ما نباید خود مرتکب شرارت شویم. به عبارت دیگر، پاسخ شرارت، شرارت متقابل نیست. باید متوجه بود که وقتی که ما با خشم، روحیه تدافعی به خود می‌گیریم، شخصیت ما درست شبیه کسانی می‌شود که از آنها عصبانی و خشمگین هستیم. و این باعث می‌شود که به خدا گناه ورزیم. و خود ما تبدیل به انسان‌هایی بدکردار و شریر می‌شویم و فرصتی را که به وسیله آن ممکن بود با نیکویی و راه‌های خدایی بر بدکرداران و شرارت پیشگان اطراف خود نفوذ مثبت بگذاریم، از دست می‌دهیم.

یا اگر به زندگی‌های زناشویی و ازدواج‌ها نگاه کنیم، زنان زیادی از شوهران خود شکایت می‌کنند. مثلاً مرد خشمگین یا ایرادگیری است. یا، مردی است که اسیر پورنوگرافی (یا دیدن عکس‌ها و ویدیوهای مبتذل است) و یا مردی است لا اوبالی که اهل کار و زحمت نیست و از لحاظ مالی برای خانواده خود فراهم نمی‌کند.

که البته، برای حل این مسائل، خدا افراد زیادی تحت عنوان شبانان و یا مشاورین قرار داده است تا به وسیله راهکارهایی کتاب مقدسی افراد را در حل مسائل و مشکلات زناشویی راهنمایی کنند. و حتی، در وضعیت خشونت-بار، قوانین مدنی از عهده این کار برآیند. اما آنچه که مزمور ۳۷ می‌خواهد به ما مکرراً یادآوری کند، این است که وقتی تو، زن شنونده، درگیر این چیزها می‌شوی، مراقب باش به عنوان زنی خشمگین، عصبانی، و مشوش وارد میدان نشوی. ما نمی‌توانیم با اسلحه شرارت، با شرارت بجنگیم و با اسلحه بدی با بدی برخورد کنیم. اسلحه جنگی ما فیزیکی و انسانی نیست. متأسفانه این نوع اسلحه تمایل طبیعی است که هر یک از ما در مواجه شدن با بدی می‌خواهیم از خود بروز دهیم. ولی اسلحه جنگی ما اسلحه‌ای انسانی و متوسل شدن به بدی و شرارت متقابل نیست، بلکه اسلحه جنگی ما روحانی است. خدا در این بین، از ابزاری از قبیل کلام خود، روح القدس، و فیض خودش از طریق ما عمل می‌کند تا با شرارت موجود در اجتماع اطراف، و بدی و شرارت موجود در خانواده

و محل کار برخورد کنیم. کلام خدا از ما انتظار دارد که نسبت به آنچه در دل مان می‌گذرد، مسئولانه برخورد کنیم. مطمئن باشیم که قلب ما به دنبال اطاعت از خدا و معیارهای اوست. برای همین، کلام خدا می‌گوید: «دل خود را به حفظ تمام نگاه دار.» گاهی اوقات ما ایمانداران، اشخاصی مشوش‌تر و مکرتر و خشمگین‌تر از افراد دیگر هستیم. و خدا به ما نشان می‌دهد که هر واکنشی که بوی توکل انسانی می‌دهد، و از توکل و اعتماد بر خدا و راه‌های او و وقت‌های او سر باز می‌زند، واکنشی گناه‌آلود و شرارت بار است.

دعوت خدا از من و شما این است که از تشویش و دلواپسی و خشم توبه کنیم. و سپس به او نگاه کنیم و دورنمایی که او به ما می‌دهد، به جلو نگاه کنیم.

به یاد داشته باشیم که ما به وسیله شرارت و گناه نمی‌توانیم شرارت و بدی را مغلوب کنیم. در زمان برده فروشی سیاه‌پوستان، خدا به طرز عجیب و باورنکردنی‌ای از شخصی به نام ویلیام ویلبرفورس استفاده کرد تا بازار برده فروشی را در کشور انگلستان متوقف کند. این یک نوع از شرارت حاکم در آن زمان بود. ویلیام می‌دانست که خشم انسانی و شرارت متقابل قادر نیست که اهداف نیکوی خدا را عملی کند. او در حالی که کلام خدا را عاشقانه دوست داشت، هدفمندانه خود را به انجام این مأموریت به دست خدا سپرد و به دور از خشم و غیرت انسانی، این مأموریت را با قدرت و اقتدار کلام خدا به انجام رسانید. و این نوع از شرارت با خدمت نیکو و وفادارانه ویلیام ویلبرفورس در آن زمان مغلوب شد و متوقف گردید.

بله خشم انسانی قادر نیست که اهداف نیکوی خدا را پیاده کند. آیه دیگری در کتاب امثال سلیمان فصل ۲۲ آیه ۸ می‌گوید: «آن که ظلم می‌کارد، بلا می‌درود و چوب خشمش می‌شکند.» بسیاری اوقات، ما به عنوان والدین وظیفه داریم که فرزندان خودمان را تنبیه و اصلاح کنیم. در کلام خدا بارها از این نوع تنبیه به عنوان چوب تأدیبه نام برده شده است. ولی آیه‌ای که در امثال ۲۲: ۸ خواندیم می‌گوید: «چوب خشم شکسته می‌شود.» بله، وقتی تهدید و تنبیه ما همراه با خشم و عصبانیت است، دیگر اثر خود را از دست می‌دهد. و در واقع، اثر برعکس از خود به جای می‌گذارد. چوب خشم ما می‌شکند و فایده نمی‌کند چون حالا دیگر ما گناهکاری هستیم که با گناه خشم می‌خواهیم گناهکار دیگری را اصلاح و تربیت بکنیم.

و این در ارتباط با سایر روابط نیز صادق است. جایی که خشم و عصبانیت انسانی وجود دارد، اهداف نیکوی خدا به پیش نخواهند رفت.

برخی از انسان‌های اطراف ما ممکن است که فقط توسط ما این فرصت را داشته باشند که با مسیح آشنا شوند. اما وقتی که ما اشخاصی خشمگین، بی‌قرار، و عصبانی هستیم، مردم با دیدن ما چیزی متفاوت از بقیه نمی‌بینند که آنها را مشتاق مسیح کند. و ما به عنوان ایمانداران، باید جدی‌تر نسبت به این مسئولیت فکر کنیم.

من مطمئنم که بسیاری از مردم مسیح و مسیحیت را رد می‌کنند چون می‌بینند که مسیحیان با مخالفان خود چگونه برخورد می‌کنند. و اگر قرار باشد من و شما به عنوان ایمانداران به مسیح، افرادی خشمگین به دیگران معرفی شویم، پس چگونه می‌خواهیم پیغام صلح بخش انجیل را به آنان اعلام کنیم؟ علاوه بر این، وقتی ما با

دلواپسی، تشویش، و خشم به مسائل زندگی مان واکنش نشان می‌دهیم، به دنیای اطراف خود این پیغام را می‌دهیم که مسیح و حضور او برای مسائل و مشکلات من کافی و بسنده نیست. و اگر نسبت به این موضوع بی‌دقت و بی‌توجه باشیم، این پیغام را مخصوصاً به فرزندانمان هم منتقل می‌کنیم. و به طور ناخودآگاه، آن را با رفتار خود به آنها تعلیم می‌دهیم ... که مسیح و معیارهای او بسنده و کافی نیست و برای همین، تو می‌توانی دلواپس و مشوش شوی! بنابراین، مشوش و خشمگین نشدن یک انتخاب خودآگاهانه و هدفمند است که ما از قبل تصمیم می‌گیریم از آن کناره‌گیری کنیم. و این همان قدم ایمان است که به وسیله آن ما اعلام می‌کنیم به راه‌ها و روش‌های تو اعتماد کامل داریم. پس، از آنها اطاعت می‌کنیم.

اوزوالد چمبرس، نویسنده معروف مسیحی، می‌گوید: "اوضاع و شرایط سخت ما وسیله‌ای هستند که در آنها کاملیت فوق‌العاده مسیح و برتریت عالی و استثنایی او به نمایش گذاشته می‌شود."

بنابراین، هر وقت که من نسبت به شرایط و اوضاع دشوار زندگی با عصبانیت برخورد می‌کنم، هر وقت که با افرادی که به من و عزیزانم بدی کرده‌اند، واکنش خشمگینانه نشان می‌دهم، به یاد داشته باشم که دارم مسیح را به دنیای اطرافم معرفی می‌کنم. ولی چه نوع عیسایی به دیگران معرفی می‌کنم؟ زندگی ما، مخصوصاً اوضاع سخت و دشوار، فرصتی است که در آن به دیگران نشان می‌دهیم ما از چه عیسایی پیروی می‌کنیم. عیسایی که با فروتنی گناهکاران را محبت نمود ... او در هنگام رویارویی با شریران، از خود دفاع نکرد ... انتقام نگرفت و هدفمندانه اختیار کرد که خشمگین و مشوش نشود ... و بخاطر آن خوشی‌ای که در آینده پیش رو داشت، از پدر اطاعت کرد. او مشوش و خشمگین نشد ... او تصمیم گرفت به بالا نگاه کند ... و سپس به جلو چشم بدوزد. این آن واکنشی بود که عیسای مسیح در اوضاع شرارت بار از خود نشان داد.

بنابراین، وضعیت زندگی من وقتی که تحت تأثیر شرارت و بدی دیگران قرار می‌گیرد و یا وقتی که طوفان زده می‌شود، فرصتی پیش می‌آورد که به صورتی باورنکردنی به اطرافیان خودم شخصیت کامل، غیر معمولی و عجیب پسر خدا را نشان دهم. این اطرافیان، شامل اشخاص بی‌ایمان، ایماندار، خانواده، همکاران، دوستان، و بالاخره همه کسانی است که یک جوری با من در تماس هستند. آنها افرادی هستند که در طوفان‌ها و شرایط سخت، واکنش مرا می‌بینند.

پس اگر شخصیت مسیح از درون من دیده می‌شود،

اگر اطرافیان من می‌بینند که من در شرایطی که همه به من بدی می‌کنند به خدا توکل می‌کنم و نیکویی می‌کنم، اگر در محیط شغلی، همه پشت سر من حرف می‌زنند و زیر پایم را خالی می‌کنند ولی من این کار را نمی‌کنم و آنها را می‌بخشم،

اگر اطرافیان من می‌بینند که بیش از آنکه از شرایط دشوار و شرارت بار دلسرد شوم، از خداوند لذت می‌برم،

اگر آنها می‌بینند که به جای دلواپس شدن و بی‌خوابی کشیدن، راه‌های خود را با اعتماد به خدا می‌سپارم،

اگر آنها می‌بینند که در اوضاع دشوار به جای بی‌تاب و آشفته شدن و گرفتن زمام امور به دست خودم، برعکس در حضور خدا آرام گرفته‌ام و صبورانه برای خدا و عمل او انتظار می‌کشم،

آنها می‌فهمند که تمام این واکنش‌ها از قدرتی ماورا الطبیعه سرچشمه می‌گیرند. و این آنها را نیز تشویق می‌کند که بر خدا و راه‌های او توکل کنند. چون آنها می‌بینند که در این شرایط شرارت بار و سخت، من به بالا نگاه می‌کنم. پس، آنها نیز انگیزه پیدا می‌کنند که در وضعیت اسفناک خود به او نگاه کنند.

آنها کنجکاو شده، از خود می‌پرسند که او به کجا نگاه می‌کند؟ و بدین ترتیب، نگاه و قلب آنها جذب مسیح می‌شود. و یواش یواش، آنها قدرت پیدا می‌کنند که به جلو نگاه کنند. بدین ترتیب، ما عکسی از ابدیت برای مردم ترسیم کرده‌ایم.

و همین مورد، در رابطه با بچه‌ها و فرزندان مان صدق می‌کند آنها وقتی به زندگی ما نگاه می‌کنند، واکنش‌های ما را در سختی‌ها می‌بینند. آنها می‌توانند ببینند آیا ما به بدی‌هایی که دیگران به ما کرده‌اند گیر داده‌ایم یا به بالا نگاه می‌کنیم و به ابدیت چشم دوخته‌ایم. آنها همه چیز را خیلی خوب می‌بینند. و این انگیزه‌ای در آنها ایجاد می‌کند که آنها هم در آینده به جای تمرکز بر مسایل زودگذر امروز به بالا نگاه کنند و دورنمای ابدیت را همیشه جلوی روی خود داشته باشند. آیا این بشارت دادن نیست؟ آیا این شاگردسازی نیست؟ آیا این تعلیم راه‌های الهی نیست؟ واکنش‌های ما، چه اثر گسترده‌ای از خود به جا می‌گذارند! ولی اگر حتی این چنین اثراتی هم از خود به جا نگذاریم، خود ما در دنیایی پر از یاس و ناامیدی و کشمکش، در رده‌ی کسانی خواهیم بود که از آرامش کامل خدا برخوردار هستند.

در اینجا از شما دعوت می‌کنم که یک بار دیگر این مزمور را با هم بخوانیم و بگذاریم که روح خدا با کلمات این مزمور در درون ما کار کند. در حالی که در باره‌ی خشم، خیلی صحبت کردیم، این خیلی آسان است که فکر کنیم اطرافیان ما مشکل خشم دارند. شاید سؤالی که روح خدا از ما دارد این است که آیا در دلت خشم داری؟ بیایید خود را در معرض کلام خدا قرار دهیم و بگذاریم که کلام او ما را بشوید.

مزمور ۳۷

به سبب بدکاران خویشان را مکدر مساز، و بر ستمکاران حسد مبر، (ترجمه قدیمی این آیه می‌گوید: به سبب شیران خویشان را مشوش مساز و بر فتنه‌انگیزان حسد مبر) زیرا چون علف، زود می‌پژمرند، و چون گیاه سبز، خشک می‌شوند.

بر خداوند توکل نما و نیکویی کن، در زمین ساکن باش و امانت را بپرور!

از خداوند لذت ببر، و او مراد دلت را به تو خواهد داد.

راه خود را به خداوند بسپار، و بر او توکل کن، که او عمل خواهد کرد.

او پارسایی تو را همچون نور، تابان خواهد ساخت، و حقانیت تو را، چون آفتابِ نیمروز. در حضور خداوند آرام باش، و صبورانه انتظار او را بکش! به سبب آنان که در راههای خویش کامرانند، و نقشه‌های پلید خود را به اجرا درمی‌آورند، خویشتن را مکدر مساز!

از خشم بازایست و غضب را ترک نما! خویشتن را مکدر مساز، که جز به شرارت نمی‌انجامد.

زیرا که بدکاران منقطع خواهند شد، اما منتظران خداوند زمین را به میراث خواهند برد.

پس از اندک زمانی، دیگر شریری نخواهد بود و هرچند او را بجویی، یافت نخواهد شد.

اما حلیمان وارث زمین خواهند شد، و از فراوانی سلامتی لذت خواهند برد.

و آیات آخر این مزمور (یعنی آیات ۳۹-۴۰) را برای شما می‌خوانم.

نجات پارسایان از خداوند می‌رسد، اوست قلعهٔ ایشان در زمان تنگی.

خداوند ایشان را یاری می‌دهد و می‌رهاند، ایشان را از چنگ شریران رهایی می‌بخشد و نجات می‌دهد،

زیرا که در او پناه می‌جویند.

**دعا:** "ای پدر، باشد که قلب‌های ما در تو تنیده شده باشند. تنیده در محبت تو، تنیده در امانت و وفاداری تو، و تنیده در نیکویی تو. باشد که احساسات ما قربانی نوسانات زندگی و اعمال بد دیگران نشوند."

مطمئنم که الان زنانی دارند به این برنامه گوش می‌دهند که در خانه‌هایشان با اشخاصی زندگی می‌کنند که به تو ایمان ندارند و در حق آنها بدی و شرارت می‌ورزند. کسانی که در محیط کاری خود با افرادی سر و کار دارند که مرتکب اعمال گناه‌آلود می‌شوند. خداوندا، تو آنها را محافظت کن. عطا کن ما مثل بدکارانی که ما را به خشم می‌آورند عمل نکنیم. باشد که اعمال شریرانهٔ دیگران ما را وادار کند تا بیشتر به تو توکل کنیم، به بالا نگاه کنیم، و به دورنمایی که تو در پیش چشمان ما قرار داده‌ای به جلو نگاه کنیم. باشد که زندگی‌های ما به دیگران بگوید چقدر شخصیت تو کامل، بی‌نظیر، عجیب، و عالی است.

دعا می‌کنم که زندگی هر یک از ما انعکاسی باشد از قلب و روح مسیح ... او که جان خود را برای شریران و گناهکاران داد ... او که حاضر شد مجروح و مضروب شود تا از زخم‌های او ما شفا یابیم. خداوندا، متشکرم که تو حاضر شدی زخمی شدن را انتخاب کنی، حاضر شدی زیر غضبِ الهی قرار بگیری، و قربانی شرارت و بدی ما بشوی تا ما را با پدر مصالحه دهی. آه ای خداوند، تو را دوست داریم و دعا می‌کنیم که زندگی ما انعکاس شخصیت مسیح در این دنیا باشد. در نام مسیح، آمین."

**نازی:** هنگامی که شما با شرارت و بدی در حال دست و پنجه نرم کردن هستید، دنیای اطراف شما، شما را مشاهده می‌کند. در چند جلسه پیش طی دروس دل آرام در دنیای پر تلاطم پی بردیم که در این دنیای شرارت بار و پر از سختی، واکنش‌های پرمحبت و صبورانه ما از اهمیت بزرگی برخوردارند. تا برنامه آینده از پادکست **دل‌هایمان احیا کن** شما را به دست‌های امن خداوند می‌سپاریم.

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرمی ارائه می‌شود، تعالیم ناسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه «دل‌هایمان احیا کن» و «راستی» می‌باشد.